نیره ساری

پدر و مادر عزیز!
بگذارید بازیم تا برنده‌شدن را یاد بگیریم

«از خانواده خود چه انتظاری داری، راحت و بی‌دغدغه بگو!» این سؤالی بود که در شبکه اجتماعی به اشتراک گذاشتیم تا جواب‌های کوتاه جوانان را دریافت کنیم. در میان پاسخ‌ها رده‌های سنی مختلف را داشتیم که سعی کردیم به ترتیب دوره‌های سنی پاسخ‌ها را منتشر کنیم، چراکه نوع پاسخ‌ها در هر دوره سنی متفاوت و جالب توجه بود. از آن مهم‌تر «جوان» در قبال پاسخ‌هایی که منفی است، هیچ گونه مسئولیتی ندارد اما صرفاً شاید همین پاسخ‌های منفی به خوانندگان ما و نیز خانواده‌ها کمک کند تا بدانند چالش‌ها و درگیری‌هایی که آنان با جوان خود در کانون خانواده دارند، معطوف به خودشان نیست و بی‌شک این طبیعت و خوی جوانی است که به قول معروف در سرش باد داشته باشد. نقل از رودکی در سندبادنامه است که می‌نویسد: «جوانی، شعبه‌ای است از جنون و دیوانگی.» شاید جسارتی که در جوانی برای انجام برخی امور وجود دارد، در سنین بالاتر نباشد و این خاصیت جوانی است. با همین نگاه است که ضرب‌المثل قدیمی می‌گوید: «تدبیر از پیر، جنگ از جوان».

■■■

مقتضیات جوان این است که شور و حرارت، جسارت و دل به دریا زدن داشته باشد و در این مسیر فقط می‌توان راهنما و حمایتگر او بود. پدر و مادر باید بدانند که جوان آنها مراحل کودکی و نوجوانی را طی کرده و به منزل شباب و جوانی رسیده است و جوان بر اساس کشش طبیعی خویش عاشق استقلال است. می‌خواهد هر چه زودتر خود را از محدودیت‌های دوران کودکی و نوجوانی رها کند و به گروه بزرگسالان بپیوندد، مانند آنها آزاد و مستقل باشد و در این مسیر شاید بیراهه‌هایی هم وجود داشته باشد. شاید پاسخ‌هایی که در ادامه می‌آید به همه ما کمک کند بدانیم با جوانان چگونه به نقطه تعادل برسیم.

■■■

بازه سنی ۲۰ تا ۲۵سال

مهدی ۲۲ساله: کاش قبول کنن دوره دهنت بو شیر میده سر اومده!

طاها ۲۰ساله: مشکل اصلیم با پدرم سر ماشین هست. کاش قیدشو می‌زد و راحت‌تر سوئیچ می‌داد!

شیرین ۲۳ساله: مادر من، عزیز من، مهربون من، سر جدت در بزن بیا تو اتاق! به والله کار خاصی انجام نمی‌دم، به خدا که بازدید سرزده شما از من در وسط روز یا نصف شب، درمان هیچ دردی نیست!

مهدیار ۲۲ساله: انتظار همراهی بیشتر، درک بیشتر، پذیرش اینکه دوره جوانی یعنی رفیق‌بازی!

محمد ۲۴ساله: من انتظاری ندارم، از پدر ومادرم بابت اینکه رفیقم هستند، ممنونم.

رامین ۲۲ساله: اگر خودتان جوانی نکردید، بگذارید ما جوانی کنیم.

بازه سنی ۲۵ تا ۳۰سال

مینو ۲۸ساله: کاش پدر و مادر به جای اینکه آرزو داشته باشن عروسی بچه‌هاشون رو ببینن، آرزو داشته باشن خوشبختی و آرامش‌شون رو ببینن که در این دو اولی هم مستتر است.

شکوه ۲۵ساله: انتظار دارم به این باور برسند که قرار نیست مسیری را در زندگی برویم که آنها آرزو داشتند بروند.

بازه سنی ۳۰ تا ۳۵سال

رضا ۳۴ساله: دوست دارم به والدینم بگویم توانمندی‌های ما در این سن بیشتر از سایر دوره‌هاست، اما با شرایط مادی و اقتصادی کنونی روزگار سخت می‌گذرد. برای گذران و رسیدن به پله‌های موفقیت نیازمند همراهی بیشتری از سوی والدین هستیم. این همراهی صرفاً مادی نیست بلکه ما خواهان همراهی معنوی هستیم.

فرشته ۳۲ساله: کاش فرق نظارت را با مچ‌گیری می‌دانستند و اتفاقاً می‌دانستند مچ‌گیری نتیجه خوبی ندارد.

فاطمه ۳۵ساله: تجربه یکی از بخش‌های مهم در مسیر موفقیت است اما چرا والدین اصرار دارند ما کمتر تجربه کنیم و کمتر ببازیم. اصلاً برای بردن باید باخت، برای تشخیص راه از بیراهه باید بیراهه را تجربه کرد. باید گاهی سرمان به سنگ بخورد.

هادی ۳۳ساله: ما جوان‌های امروزی تحت فشارهای روانی سختی هستیم. از مشکلات اقتصادی گرفته تا سایر موضوعات با زن و زندگی و بچه، از پدر و مادر انتظار داریم که با فشار بیشتر و توقعات نابجا زندگی را برای‌مان سخت‌تر نکنند.

۳۵سال به بالا

مهسا ۳۶ساله: یکی از دردهای فعلی من است که با وجود شرایط مادی مناسب خانواده اجازه مستقل‌شدن را نمی‌دهند. والدین هستند تا ناجی و حمایتگر باشند. چه خوب که این حمایت در زمان حیات آنها باشد. امروز من شرایط مستقل شدن را دارم و می‌دانم سختی‌های خود را دارد، در نتیجه نیازمند حمایت خانواده هم هستم، پس چه بهتر که این حمایت الان صورت گیرد، نه در سال‌های بعد که مشخص نیست آنها در قید حیات باشند یا نه! خواسته من این است مرا برای رسیدن به استقلال همراهی کنند و مجبورم نکنند برای این استقلال تن به یک ازدواج غلط دهم.

اسماعیل ۴۰ساله: پدر و مادر تاج سر هستن، اما کاش بدونن همیشه حرف‌شان منطقی نیست. همین.

سورنا ۳۷ساله: تنها انتظارم این است که به علایق ما احترام بگذارند.

حمیدرضا خونویی، مبدع نشست‌های گفت‌وگومحور نوجوانان و جوانان:

والدین با جوانان گفت‌وگو کنند اما در پی القا و تحمیل نگاه خود نباشند

حمیدرضا خونویی، معاون فرهنگی سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران است. او تجربه برگزاری نشست‌های گفت‌وگومحور با عنوان بچه‌های رستا را با نوجوانان و جوانان دارد که پیش از این در صفحات «کاشانه» به آن پرداخته بودیم. تجربه وی در زمینه شناخت روحیات نوجوانان و جوانان باعث شد بار دیگر سراغ او برویم، اما این بار با هدف پرسش و پاسخ راجع به شیوه گفت‌وگو با جوانان.

■■■

آقای خونویی به عنوان اولین پرسش بفرمایید به نظر شما آنچه از آن به عنوان گفت‌وگوی مؤثر یاد می‌شود، اساساً چیست؟

گفت‌وگوی مؤثر نیازمند طراحی ظریف است. گاهی تعبیر از گفت‌وگو برای برخی افراد اینگونه است که جمعی بنشینند و یک فرد خاص برای ارتقای دانش و سطح سواد سایرین صحبت کند و در نهایت هم منتج به پرسش و پاسخ شود، اما برخی مواقع تمام مخاطبان گفت‌وگو درگیر گفت‌وگو هستند و تفکیکی بین گوینده و شنونده وجود ندارد که در واقع گفت‌وگوی مؤثر برای نسل‌های جدید به این گونه باید باشد. جمع‌بندی‌ها و دریافت‌ها به واسطه گفت‌وشنودهایی که در اینگونه جلسات اتفاق می‌افتد یا به زبان بهتر، افراد نتیجه را از زبان همسالان می‌شنوند، دارای پذیرش بهتری است و اینگونه بسیار بهتر است، از اینکه یک نفر خودش جمع‌بندی کند.

بالای ۳۰۰جلسه در سال جاری در سطح فرهنگسراها برگزار کرده‌ایم که روند به همین شکل بود که ما فرد مشخصی برای سخنران نداشتیم بلکه یک فرد تسهیلگر فضای گفت‌وگو می‌شود تا تمام جمع‌بندی‌ها را از زبان خود جوان‌ها بیرون بیاورد و مسیر گفت‌وشنود طی شود. گفت‌وگویی مؤثر است که جوان صرفاً شنونده و مخاطب نباشد و جوان پویای امروزی بخشی از برنامه باشد.

این گفت‌وگوی مؤثر از سوی خانواده و والدین باید چگونه با جوانان صورت گیرد؟

متأسفانه ما شاهد هستیم خانواده‌ها خیلی به هویت فردی و جمعی فرزندان خود اعتقادی ندارند. خانواده برای گفت‌وگو ابتدا باید بپذیرد فرد مقابلش یا همان جوان و فرزند او هویت جمعی و فردی، تمایلات و سلایق خود را دارد و همانطور که ما نظر خود را به رسمیت می‌شناسیم، سلایق فرد مقابل و فرزندمان را نیز باید به رسمیت بشناسیم. خیلی از موضوعات به سلایق ما ارتباط دارد و جوان امروزی می‌تواند آن را نپذیرد، بنابراین ما نباید اصرار داشته باشیم نظر ما پذیرفته شود. ما باید بپذیریم فرزندمان انسانی است که می‌تواند مثل ما برخی موضوعات را بپذیرد یا نپذیرد. نکته بعدی این است که خیلی افراد و خانواده‌ها می‌خواهند زود نتیجه بگیرند. مدل‌های تصمیم‌گیری تفاوت دارد. یک جوان استدلال و نکات را می‌شنود و در خلوت به نتیجه می‌رسد، جوان دیگری در ادامه مسیر به نتیجه می‌رسد. خانواده‌ها نباید دنبال نتیجه‌گیری سریع باشند. ما وقتی می‌خواهیم نگاه کسی را تغییر دهیم، نباید یقین داشته باشیم در چند جلسه به نتیجه برسیم. نکته سوم این است که گاهی ما فکر می‌کنیم نظر ما صرفاً درست است و قبل از بحث نتیجه را می‌گیریم و به دنبال القا و جاانداختن سلیقه خود هستیم. ارتقای دانش و کسب دانش از سوی والدین در مسیر گفت‌وگو با جوان مهم است و باید مراقب باشند، سلیقه خود را صرفاً تحمیل نکنند.

در مورد فرایند تغییر در نگرش و رفتار جوانان توضیح دهید.

نکته اول مسئله پذیرش متقابل است. پذیرش متقابل به این معنی است که خانواده‌ها فرد نوجوان و جوان خود را بپذیرند و به سلایق او احترام بگذارند. شاید این سلایق باهم جمع نشود. نکته بعدی این است که جوان باور کند هویت او مورد پذیرش والدین قرار گرفته است. قدم اول یعنی درهای پذیرش را باز کنیم و حرف‌های او را بشنویم. مقدمه و لازمه حداقلی پذیرش این است که ارتباط دوستانه و مؤثر بین والدین و جوان شکل بگیرد تا حرف‌های او شنیده شود. متأسفانه خانواده‌ها برای شناخت جوان خود کاری نمی‌کنند و وقتی می‌خواهیم کاری انجام دهیم، باید نسبت به سلایق، روحیات و مسیر گفت‌وگو اشراف داشته باشیم. خلقیات و مسیر فکری ثابتی وجود ندارد و این مسیر به تعداد هر فردی متفاوت است. شناخت از هویت فردی و اجتماعی جوان بسیار مهم است. اگر در خانواده به این موضوع اهمیت داده نشود، مسیر زندگی یک جوان مسدود می‌شود.

پذیرش متقابل به این معنی است که خانواده‌ها فرد نوجوان و جوان خود را بپذیرند و به سلایق او احترام بگذارند. قدم اول یعنی درهای پذیرش را باز کنیم و حرف‌های او را بشنویم. مقدمه و لازمه حداقلی پذیرش این است که ارتباط دوستانه و مؤثر بین والدین و جوان شکل بگیرد تا حرف‌های او شنیده شود

آیا گفت‌وگو می‌تواند برای جوان ایجاد مصونیت کند؟

گفت‌وگو اولین و آخرین راه نیست. نکته مهم این است که گفت‌وگو اگر با نیت تقویت تفکر و استقلال شخصیتی جوان انجام شود عملاً نتیجه مؤثرتری دارد. والدین باید بدانند که ماهی به جوان خود ندهند اما ماهیگیری را به او یاد دهند. جوان‌های امروزی نسبت به نسل گذشته در بسیاری از شاخصه‌ها جلوتر هستند اما در شاخصه استدلال و تفکر درباره موضوعات کمی عقب‌تر هستند. علت‌های مختلفی وجود دارد و در این زمینه رسانه بی‌تأثیر نیست. ما به گزاره‌ای رسیده‌ایم که اگر چند نفر به جوان و نوجوان امروزی دروغ بگویند می‌پذیرد و هر کدام رسانه قوی‌تری داشته باشد، بیشتر مورد پذیرش واقع خواهد شد، بنابراین خلأ امروزی نداشتن قدرت تفکر و استدلال در جوانان است که حاکمیت رسانه در آن بسیار تأثیرگذار است. آنچه در گفت‌وگو موضوعیت دارد این است که والدین فرزند خود را در حوزه تفکر تقویت و پرورش دهند. توانمندی در حوزه تفکر است که نتیجه‌بخش خواهد بود و در واقع خانواده‌ها به این ترتیب می‌توانند مصونیت کلی برای جوان خود ایجاد کنند.

شیوه گفت‌وگو در وضعیت بحران چگونه است؟

تجربه می‌گوید خانواده قرار نیست حلال همه مسائل و مشکلات جوان خود باشد. ما هنوز نسبت به کمک گرفتن از مشاور در حوزه‌های مختلف در کشور مشکل داریم و در موضوعات بحرانی حضور یک مشاور که گاردی در مقابل او وجود ندارد، اثرگذارتر خواهد بود. بعضی از خانواده‌ها می‌گویند فرزند ما اعتقادی به مشاور ندارد، اما در این موارد خانواده‌ها می‌توانند خودشان به مشاور مراجعه کنند و راهکار برای شیوه تعامل و هدایت او بگیرند.

رضا کریمی، فعال فرهنگی حوزه جوانان:

هرجا به جوانان اعتماد کردیم جز خیر ندیدیم

شیوه صحیح ارتباط با جوانان و نسل‌های جدید از سوی خانواده‌ها چگونه است؟ اصل ارتباطی میان والدین و جوانان چیست؟ بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری نسبت به رفتار و گفتار جوان چه تبعاتی خواهد داشت؟ اگر بخواهیم جوانی را از نظر عقل و احساسات تشریح کنیم، چه موارد مهمی را باید به خانواده‌ها گفت؟ چگونه باید تجارب را با آنها در میان گذاشت تا شکل نصیحت نگیرد؟

اینها سؤالاتی است که برای پاسخ گرفتن درباره آن سراغ رضا کریمی، مدیر فرهنگی جوانی رفتیم که عشق تعامل با جوانان را دارد، هم در فضای ورزش، وقتی که به جوانان هنرهای رزمی می‌آموزد، هم در دنیای طلبگی و پای منبر به عنوان یک روحانی، هم در فرهنگسرا در کسوت مدیر مراکز فرهنگی - هنری منطقه ۱۸ و رئیس فرهنگسرای خاتم وقتی با جوانان گعده‌های فرهنگی می‌گذارد. فردی که به لحاظ تجربی از خلق و خوی جوانان آگاه است و سال‌هاست حسب همین تجربه به والدین برای ارتباط‌گیری با جوانان مشورت می‌دهد.

رضا کریمی درباره شیوه صحیح ارتباط با جوانان یا نسل‌های جدید به ما می‌گوید: ارتباط با جوان یا نوجوان و کودک متفاوت از یکدیگر است اما به صورت کلی اصلی‌ترین شاخصه ارتباط با جوانان تعامل با آنهاست، یعنی ارتباط باید به صورت تعاملی و دوطرفه باشد، به این معنی که جوان نباید در تعامل با والدین صرفاً شنونده باشد بلکه باید هم گوینده و هم شنونده باشد. مهم‌تر آن است که در این شیوه تعاملی نباید تظاهر شود بلکه باید برای جوان امروزی مسجل شود که این مدل از شیوه ارتباطی یک خواسته و نیاز از سوی والدین است. والدین باید این حس را به جوان خود بدهند که خواهان شنیدن حرف‌های او هستند و بعد از شنیدن صحبت‌های جوان، گفته‌های خود را بیان می‌کنند.

کریمی با اشاره به دیگر شاخصه‌های مهم در ارتباط‌گیری با جوان به سیره اهل بیت(ع) مبتنی بر تربیت فرزند در سه بازه هفت‌ساله اشاره و بیان می‌کند: دوره نوجوانی و شروع دوره جوانی اینگونه است که باید فرد در خانه نقش وزیر و مشاور را داشته باشد و در شادی و غم‌ها و دستاوردها سازنده عمل کند. جوان اگر صرفاً مخاطب باشد، لطمه می‌خورد و ناخواسته فاصله می‌گیرد، از سوی دیگر در کنار آن توانایی به دوش کشیدن بار زیاد و مسئولیت هم ندارد، بنابراین باید همان نقش مشاور را داشته باشد.

مدیر فرهنگی - هنری منطقه۱۸ می‌گوید: اگر پدر را پادشاه خانه تصور کنیم، جوان نقش وزیر یا کمک کار و مکمل پدر در مدیریت خانه را باید داشته باشد و اینچنین تعامل با جوان در خانه ساده‌تر، دقیق‌تر و منسجم‌تر خواهد بود.

وی با تشریح دوره جوانی در دو حوزه عقل و احساس توضیح می‌دهد: هوش هیجانی در جوانان نسبت به سایرین که محافظه‌کار هستند، فعال‌تر است و ما باید در کنار هوش هیجانی هوش شناختی و قدرت تحلیل‌گری آنان را نیز تقویت کنیم، چراکه جوان‌ها احساسات قوی‌تری دارند و واکنش‌های دقیق‌تری نشان می‌دهند. در کنار آن برون‌گرایانه‌تر عمل می‌کنند و طبیعتاً ما شاهد هستیم در پست‌های مدیریتی نیز با جوان‌گرایی سرعت کار بالاتر می‌رود.

به اعتقاد کریمی، برخی مواقع به دلیل سوءتدبیرها شاهد تربیت‌های غلطی هستیم، در حالی که ما باید به احساسات جوانان احترام بگذاریم و در کنار احترام به هوش هیجانی، هوش شناختی آنها را ارتقا دهیم.

وی در رابطه با شیوه انتقال تجارب از سوی والدین به جوانان می‌گوید: این موضوع مسئله مهمی است که انتقال تجربه شکل نصیحت نگیرد و برای آن باید بستر گفت‌وگو فراهم شود.

رئیس فرهنگسرای خاتم معتقد است: گفت‌وگو با نصیحت و سخنرانی فرق دارد و بزرگ‌ترها خود را باید نیازمند شنیدن بدانند. ما باید با جوان خود گفت‌وگو کنیم و گفت‌وگو یعنی گفتن و شنیدن، یعنی جوان گوش شنوا دارد و می‌داند به نوبه خود فرصت صحبت‌کردن دارد، چنانچه در فضاهای مختلف شاهد هستیم جوان‌ها باهم گفت‌وگو می‌کنند، مثل کافه‌ها و دورهمی‌های دوستانه که در چنین فضاهایی گفت‌وگو نتیجه‌بخش خواهد بود.

کریمی در رابطه با تبعات بی‌توجهی والدین به خواسته‌ها و نیازهای جوانان بیان می‌کند: بی‌تفاوتی از چند منظر قابل توجه است. گاه بی‌تفاوتی از زاویه خواسته‌ها و گاه نسبت به توانایی‌های جوان است، اما از آنجا که جوانان اجتماعی‌تر و برون‌گرا هستند در نتیجه خارج از بستر خانواده دنبال نیازها و خواسته‌های خود می‌روند و این بی‌تفاوتی موجب جدایی جوان از خانواده می‌شود و در نهایت موجب در معرض آسیب قرار گرفتن جوان خواهد شد.

به اعتقاد وی، جدایی جوان از خانواده آسیب‌زاترین موضوع است چراکه جوان در اوج نیاز است و می‌خواهد خود را نمایش دهد اما نادیده گرفتنش باعث می‌شود این نمایش را جایی دیگر جز بستر خانواده انجام دهد.

مدیر فرهنگی - هنری منطقه۱۸ بیان می‌کند: اصلی‌ترین نیاز جوانان هویت‌بخشی به آنهاست و این هویت‌بخشی را نباید شعارگونه عمل کنیم، بلکه باید هویت‌بخشی به معنی واقعی باشد. ما شاهد بودیم در هشت سال دفاع مقدس نوجوان‌ها و جوانانی عرض اندام کردند که دنیا انگشت به دهان ماند و از دل آنها شهید زین‌الدین‌ها و باکری‌ها رویدند که مصداق واقعی هویت‌دادن و هویت‌بخشی بودند. هویت‌بخشی به جوانان در فضاهای مختلف از خانه گرفته تا جامعه باعث خواهد شد جوانان با اعتمادبه‌نفس بالا خودشان از هویت‌شان مراقبت کنند، بنابراین آنچه مشخص است اینکه ما آنجایی که به جوانان اعتماد کردیم، خیر دیدیم و ضرر نکردیم و اگر ضرری هم بوده، خیر آن به قدری زیاد است که شر آن به چشم نمی‌آید، پس بیاییم در پست‌های مدیریتی در خانواده به آنها اعتماد و هوش هیجانی‌شان را تحمل کنیم تا خیر و برکات حضور آنها را ببینیم.

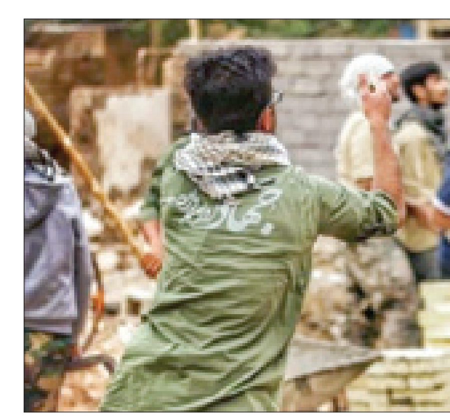

اصلی‌ترین نیاز جوانان هویت‌بخشی به آنهاست و این هویت‌بخشی را نباید شعارگونه عمل کنیم، بلکه باید هویت‌بخشی به معنی واقعی باشد. ما شاهد بودیم در هشت سال دفاع مقدس نوجوان‌ها و جوانانی عرض اندام کردند که دنیا انگشت به دهان ماند و از دل آنها شهید زین‌الدین‌ها و باکری‌ها رویدند که مصداق واقعی هویت‌دادن و هویت‌بخشی بودند

سیری در حال و هوای جوانی به انگیزه ولادت حضرت علی‌اکبر(ع)

جوان یعنی جنگجوی جنم‌دار زندگی

حسین گل‌محمدی

هی!... یادت بخیر جوانی!... این چند کلمه را بارها از افراد سالمند و حتی میان‌سن شنیده‌ایم؛ کلماتی که هر چند با لحنی حسرت‌بار ادا می‌شود، ولی با قدری تأمل در آن، متوجه می‌شویم حاوی درس‌های بسیاری است؛ اول اینکه بیانگر دورانی طلایی از زندگی است که حالا - در سنین میانسالی و سالمندی - به نیکی از آن یاد می‌کنیم و در آرزوی تکرار لحظاتی از آن هستیم. دوم اینکه من و شمای پابه سن گذاشته را ترغیب می‌کند به جوان‌ترها بگوییم: «قدر جوانی‌تان را بدانید!» و این یعنی خود را ملزم می‌دانیم به فرزندان جوان‌مان تجربه‌ها و دانسته‌های‌مان را انتقال دهیم تا از این ایام ارزشمند به خوبی استفاده کنند. سوم اینکه دوران جوانی‌مان را به ما یادآوری و شور و حال آن روزها را در ذهن‌مان تداعی می‌کند تا بدانیم که ما هم زمانی جوان بودیم و سری پرشور داشتیم، پس باید حال و هوای متفاوت جوانان امروز را درک کنیم و توقع نداشته باشیم شبیه ما رفتار و فکر کنند، اما یک درس بزرگ دیگر هم هست که شاید معدودی از ما آن را آموخته باشیم که البته از درس‌های قبلی به مراتب مهم‌تر است؛ اینکه «فرزند جوان امروز ما حتماً و الزاماً نباید تکرار جوانی دیروز ما باشد» که اگر چنین باشد از قضا اصلاً خوب نیست و به معنای آن است که فرزند جوان ما نسبت به ۴۰-۳۰سال پیش ما - که جوان بودیم - هیچ تغییر و تحول، پیشرفت و ارزش‌افزوده‌ای نداشته است، اما چه بهتر که با ترسیم دوران جوانی الگوهای تحسین‌برانگیزی که می‌شناسیم - ضمن پذیرش حال و هوای امروز فرزندان‌مان - تصویر جوانان موفق و اثرگذار دیروز را به او ارائه دهیم تا با مصادیق جوان شایسته و نمونه آشنا شود. با جوانانی آشنا شود که به تأسی از جوان رشید و شجاع کربلا، جنگجوی جنم‌دار میدان دفاع از حق علیه باطل بودند و او نیز می‌تواند با الگوگیری از چنین نمونه بارزی، در میدان زندگی همچون یک جنگجوی جسور با موانع و مشکلات بجنگد.

ایام میلاد خجسته حضرت علی‌اکبر(ع) و روز جوان، فرصت ارزنده‌ای است تا با تقدیم شاخه‌ای گل و هدیه‌ای درخور، قدردان وجود فرزند جوان خود باشیم و قصه‌های شنیدنی جوانان قهرمان این مرز و بوم را برای او روایت کنیم.

محبوبه قربانی

پای صحبت‌های جوانان موفقی که با موانع و مشکلات جنگیدند

فرصت‌ها را از دل محدودیت‌ها بیرون کشیدیم

جوانان قشر بزرگی از جامعه ما را تشکیل می‌دهند و از مهم‌ترین اقشار هستند، به همین جهت برنامه‌ریزی و حل مشکلات آنها از سوی والدین و مسئولان مهم است چراکه با داشتن جوانانی موفق و سربلند آینده‌ای روشن و جامعه‌ای سالم در انتظارمان خواهد بود. حال این سؤال مطرح است که جوان موفق کیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ شاید اولین جوابی که از ذهن‌ها بگذرد، این باشد که او باید شانه‌های خود را زیر بار مسئولیت ببرد. جواب درستی است، ولی زمانی می‌توان چنین انتظاری داشت که او علاقه و استعداد انجام آن کار را داشته باشد، بنابراین لازم است، خانواده‌ها به عنوان اولین کانون پرورش جوان، در این امر مهم گام بردارد و در شناسایی استعداد و شکوفایی فرزندشان بکوشند. متن زیر حاصل گفت‌وگو با چند جوان موفق جنوب شهری و ساکن منطقه ۱۸ است که به رغم تمام محدودیت‌ها و کاستی‌ها، هر کدام در یک رشته تلاش کرده و به موفقیت رسیده‌اند. در موفقیت آنان نقش والدین پررنگ دیده می‌شود و این نشان می‌دهد اثرگذاری والدین در آینده روشن یک جوان چقدر مؤثر است.

■■■

«اشتیاق» رسیدن به ناممکن‌ها را ممکن می‌کند

■ نگار مهدی‌دوست، متولد ۱۳۸۴

نگار مهدی‌دوست متولد ۱۳۸۴ از جوانان بسیار فعال در حوزه اجتماعی و فرهنگی، مجری‌گری و خبرنگاری است. او خودش را خادم نوجوان و جوان می‌داند و در کارنامه فعالیت‌های خود دبیر کل کانون نوجوانان دختر شهر تهران، مشاور جوان شهردار، گزارشگر دوربین امید، خبرنگار پانا و جام جم، برگزیده جشنواره نوجوانان کنشگر در حوزه رسانه را دارد و در حال حاضر دانشجوی حقوق دانشگاه تهران است.

مهدی‌دوست درباره خودش می‌گوید: «در کودکی از آنجا که نسبت به همکلاسی‌های خودم صدایی رادیویی و بیان شیوایی داشتم، پای ثابت برنامه‌های فرهنگی و هنری مدرسه بودم و به صورت گروهی کار می‌کردم. من صدای دوستانم بودم و خواسته‌های آنها را به گوش مدیر و همکاران می‌رساندم. به قولی پل ارتباطی بین دانش‌آموزان و اولیای مدرسه شده بودم و همکلاسی‌ها و هم‌مدرسه‌ای‌های عزیزم در هر انتخاباتی مرا به عنوان شورای مدرسه، شهردار مدرسه و غیره انتخاب می‌کردند، به همین خاطر چند سال متوالی به عنوان شهردار مدرسه و مشاور نوجوان شهردار منطقه۱۸ از سوی مسئولان آموزش‌های شهروندی منطقه انتخاب شدم. در مجلس دانش‌آموزی نیز به عنوان نماینده مجلس دانش‌آموزی، خادم قشر عزیز دانش‌آموز بودم و به عنوان خبرنگار مطالبه‌های بحق نوجوانان را به گوش مسئولان رساندم.»

این جوان فرهنگی نقش خانواده را در موفقیت خود غیرقابل انکار می‌داند و می‌افزاید: «رفتار خانواده تأثیر زیادی در کسب موفقیت یا احساس شکست فرزندان دارد. جا دارد قدردان پدر و مادر عزیزم باشم که کمتر درگیر جزئیات و الگوهای از پیش تعریف‌شده برای تربیت و موفقیت من بودند و بیشتر دغدغه آنها ایجاد عادات مثبت، طرز فکر، مهارت، سلامت و اعتمادبه‌نفس من بود. مادر عزیز و پرمهرم نقشی مؤثر در تربیت من دارد و همیشه به عنوان یک کارگردان به بیان نقاط مثبت و منفی فعالیت‌های من می‌پردازد. پدر خوبم به عنوان مدیر، زیرساخت‌های مناسب تربیت مرا فراهم کرد و با در اختیار گذاشتن تجربه‌های ارزنده‌اش پشتکارداشتن، متعهدبودن و مسئولیت‌پذیری را به من یاد داد.»

مهدی‌دوست معتقد است می‌توان با کمبودها هم موفق بود. او در توضیح اظهار می‌دارد: «امروزه به خیلی از منابع اعم از کتاب‌ها از کتابخانه‌های ملی، فرهنگسراها، مدارس و بسیاری از سایت‌های معتبر اینترنتی دسترسی داریم و همچنین نهادها و ارگان‌ها به طرق مختلف در پی کشف و پرورش استعدادها هستند، فرهنگسراهای مناطق مختلف به ویژه در منطقه۱۸، فرهنگسرای خاتم که خود بنده شرکت داشتم، با برگزاری جشنواره‌های مختلف مثل جشنواره نوجوانان کنشگر و برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های متعدد، تلاش می‌کنند با روابط صمیمی و دوستانه، فضای دلنشینی را برای نزدیک‌کردن نوجوانان و جوانان به اهداف‌شان ایجاد کنند. در واقع می‌توانیم به موانع و محدودیت‌ها به عنوان یک فرصت برای رشد هویت و شخصیت خود نگاه کنیم، نه اینکه دست از تلاش برداریم بلکه فعال‌تر باشیم، در راه رسیدن به هدف اشتیاق داشته باشیم. اشتیاق همان چیزی است که جسارت رسیدن به سوی غیرممکن‌ها را به ما می‌دهد.»

وی می‌افزاید: «برای آنکه موفق باشیم، باید عملکرد فعال و خلاقانه‌ای داشته باشیم و هدفمند گام برداریم. موفقیت را باید یک فرایند بدانیم. فراموش نکنیم که در زندگی ما فقط یک قله وجود ندارد، قله‌های بسیاری هستند که با توجه به استعدادی که خداوند در درون ما قرار داده است به همراه پشتکار قادر به فتح آنها هستیم. بدانیم اگر روی یک قله ایستادیم، پیروزی خود را جشن بگیریم و بعد از اندکی تأمل با انرژی مضاعف برای اهداف بزرگ‌تر اقدام کنیم و به فتح قله‌های دیگر بپردازیم. حضرت آقا در عیادت یکی از جانبازان عزیز در جواب این درخواست که چیزی بگویید که ما را در برابر ناملایمات و سختی‌ها آرام‌مان کند؟ فرمودند: «این چیزهایی که شما می‌بینید، اینها حوادث طبیعی یک راه دشوار به سمت قله است، هیچ انتظار نباید داشت که اگر ما می‌خواهیم برویم به قله توچال یا قله دماوند، در راه چاله نباشد، سنگ نباشد، باد نباشد، دود نباشد، گاز نباشد، مگر می‌شود؟ اما داریم می‌رویم، داریم می‌رویم.» صائب تبریزی بیت خیلی قشنگی دارد: «عرق سعی محال است که گوهر نشود/ می‌رسد ذره به خورشید بلند آخر کار»، امیدوارم همه نوجوانان و جوانان عزیز ایران‌زمین در مسیر رسیدن به اهداف خود با صبر و استقامت طی مسیر کنند.»

مهدی‌دوست کمال‌گرایی، زیاده‌خواهی و از طرفی یأس و ناامیدی را ضربه به آینده یک جوان می‌داند و بیان می‌کند: «باید تلاش کنیم با توانایی‌ها و استعدادهایی که داریم در پی پرورش این استعدادها باشیم و سعی کنیم، پس از بالابردن اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس خود، در مرحله بعد در پی ارتقای مهارت‌هایی که در آنها توانمندی و قدرت کمتری داریم، باشیم و به یک فرد چندبعدی و توانمند تبدیل شویم.»

یاس کریمی، تکواندوکار: هم برد داشتم و هم باخت، اما باخت در مسابقات مرا ناامید نکرد و با تلاش بیشتر این رشته را ادامه دادم و قدر برنده‌شدنم را دانستم. همیشه دوستانم را به ورزش تشویق می‌کنم. لازم است برای شادابی‌شان ورزش کنند چراکه در روحیه انسان تأثیر زیادی دارد و آنها را از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دور می‌کند

نگار مهدی‌دوست، مجری و گزارشگر: در مجلس دانش‌آموزی به عنوان نماینده مجلس دانش‌آموزی، خادم قشر عزیز دانش‌آموز بودم و به عنوان خبرنگار مطالبه‌های بحق نوجوانان را به گوش مسئولان رساندم

نگار مهدی‌دوست

یاس کریمی

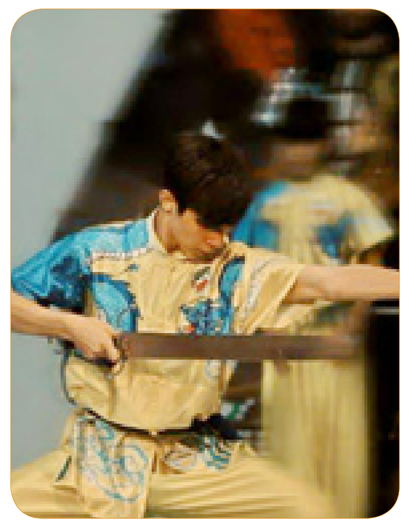

محمدپارسا مددی

می‌بازم تا قدر برنده‌شدنم را بدانم

■ یاس کریمی، متولد ۱۳۸۵

یاس کریمی متولد ۱۳۸۵ در رشته ورزشی تکواندو فعالیت دارد و در مسابقات زیادی شرکت کرده است. کریمی می‌گوید: هم برد داشته‌ام و هم باخت، اما باخت در مسابقات مرا ناامید نکرد و با تلاش بیشتر این رشته را ادامه دادم و قدر برنده‌شدنم را دانستم.

کریمی موفق به کسب مدال‌های استانی شده و چهار بار در مسابقات کشوری شرکت کرده است. چهار مدال نقره در خردسالی و نقره و طلا در نوجوانی حاصل تلاش‌های او در این رشته است. از سه‌سالگی ورزش را با ژیمناستیک شروع کردم و در سن شش‌سالگی با کمک پدر و مادرم رشته تکواندو را انتخاب کردم تا اینکه فهمیدم به آن علاقه دارم. همین باعث شد آن رشته را ادامه دهم و حالا ۱۱سال است تکواندو کار می‌کنم.

او نقش پدر و مادرش را در کشف استعدادش مؤثر می‌داند و معتقد است علاقه، تلاش و تمرین نیز بیشترین تأثیر را در پیشرفتش داشته است.

کریمی خطاب به هم سن و سالان خود برای اینکه شاد و با نشاط در خانواده و جامعه بدرخشند، می‌گوید: همیشه دوستانم را به ورزش تشویق می‌کنم. لازم است برای شادابی‌شان ورزش کنند چراکه در روحیه انسان تأثیر زیادی دارد و آنها را از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دور می‌کند.

او همچنین به دوستان خود توصیه می‌کند: تا اندازه‌ای از والدین‌تان توقع داشته باشید که تحت فشار قرار نگیرند.

او در پاسخ به این سؤال که چه وظیفه‌ای در برابر والدین دارید، می‌گوید: «در وصف مادر و پدر کلمات بسیاری هستند اما به نظرم هیچ کلمه‌ای عظمت وجود این دو نعمت را بیان نمی‌کند، به همین جهت به عنوان یک فرزند تلاش می‌کنم عظمت وجودشان را درک کنم و به خوشرویی و رعایت نهایت احترام در مقابل این دو نعمت الهی بپردازم و این را همواره بدانم که هر والدینی همواره تلاش می‌کنند برای فرزند خودشان بهترین باشند. در موارد مختلف تصمیم و پیشنهادهای‌شان را با ملایمت و نرمی نقد می‌کنم، اما به هیچ وجه در مقابل خودشان موضع‌گیری نمی‌کنم. هم کارهای خوب ما و هم کارهای بد ما به نحوی به پدر و مادر ما برمی‌گردد. ما در واقع دست‌پرورده آنها هستیم، اگر عملکرد خوبی داشته باشیم، علاوه بر حسنات آن، جامعه نیز از پدر و مادر به نیکی یاد می‌کنند. پدر و مادر من همیشه رفیق، استاد و همراه من هستند، ان‌شاءالله که خداوند حافظ همه پدر و مادرهای عزیز باشد و روح پدر و مادران آسمانی هم شاد باشد.»

در هر شرایطی هدف را فراموش نمی‌کنم

■ محمدپارسا مددی متولد ۱۳۸۶

محمدپارسا مددی متولد ۱۳۸۶ به صورت حرفه‌ای در رشته ورزشی ووشو فعالیت دارد و ۱۱سال است در این رشته کار می‌کند. او می‌گوید: این رشته را عمویم معرفی کرد و وقتی شش‌ساله بودم آن را شروع کردم. از سن ۱۰سالگی به صورت حرفه‌ای ادامه دادم و توانستم در مسابقات شرکت کنم. در همه این سال‌ها پدر و مادرم مشوق من بوده‌اند و من همه موفقیت‌هایم را به آنها مدیونم. پدر و مادرم پشت من بوده‌اند و از همه زحمات‌شان تشکر می‌کنم.

او درباره میزان اهمیت مسائل اقتصادی در پیشرفت هر جوانی اظهار می‌دارد: به نظرم امکانات اقتصادی مهم است ولی یک جوان باید بتواند در هر شرایطی به سمت هدف روشن خودش حرکت کند و هدفش را فراموش نکند. من هم امیدوارم روزی برسد که بتوانم در این رشته مربیگری تیم ملی ایران را برعهده بگیرم.

مددی می‌گوید: به دوستانم توصیه می‌کنم تا جوان هستند استعدادهای‌شان را بشناسند و آنها را تقویت کنند. برای آن هدف‌گذاری کنند و محکم به سمت آن گام بردارند تا در آینده حسرت از دست دادن فرصت‌ها را نخورند. جوان باید نسبت به خود و خانواده‌اش متعادل و واقع‌بینانه باشد تا از چالش‌های ناخواسته جلوگیری کند. مهم‌ترین وظیفه‌ای که در قبال والدین داریم، احترام است که باید حفظ کنیم.

وظیفه فرزندان در قبال والدین از نگاه جوانان

دستش را می‌بوسم چون دستم بگرفت و پابه‌پا برد

تعارضات و اختلاف سلیقه‌های بین والدین و فرزندان، به خصوص جوانان از جمله مشکلات اصلی بسیاری از خانواده‌هاست. پدر و مادرها انتظار دارند فرزندان‌شان، مطیع و فرمانبردار باشند، در حالی که این سطح انتظار با استقلال‌طلبی جوانان در تعارض است، بنابراین اختلاف بین نسل‌ها - همان واقعیتی که حتی در روزگار جوانی والدین ما هم بوده است - را نمی‌توان نادیده گرفت، ولی باید گفت اگر والدین و فرزندان به وظایف‌شان عمل کنند و هر دو بکوشند فضای مسالمت‌آمیز و مطلوبی را در خانواده ایجاد کنند، در آینده با مرور روزهای شاد، احساس آرامش خواهند داشت. در این گزارش از برخی جوانان پرسیده‌ایم وظیفه خود را در قبال والدین چه می‌دانید. پاسخ‌ها را می‌خوانید.

■■■

■ آرمین ۱۹ساله: رعایت ادب در مقابل والدین ضروری است. ادب و احترام باعث سعادت و خوشبختی انسان است. من برای عاقبت بخیری‌ام در زندگی احترام و ادب به پدر و مادرم را رعایت می‌کنم.

■ سعید ۱۹ساله: والدین حق بسیار زیادی بر گردن ما دارند. خیلی زحمت کشیده‌اند و از خواب و خوراک خودشان برای راحتی ما در جایی که شاید برای خودشان هم لازم بود، گذشته‌اند. مادرم از شیره جانش مرا سیر و پدرم با کارگری مرا بزرگ کرد. حالا که پیر شده‌اند، وظیفه دارم به آنها خدمت کنم و دست آنها را بگیرم و ببوسم. به قول ایرج میرزا «دستم بگرفت و پابه‌پا برد» و حالا نوبت من است.

■ رامین ۲۰ساله: دوست داشتن کافی نیست. باید این دوست داشتن را ابراز کرد تا پدر و مادرها این عشق را بفهمند و با همه وجود آن را لمس کنند.

■ سپیده ۱۸ساله: کاش مادرم بود و باز صدای نصیحت‌هایش را می‌شنیدم. او یک سالی است فوت کرده است. من و کسانی که شرایط مرا دارند، وظیفه دارند آنقدر از این دنیا خیرات بفرستند تا جبران زحمات والدین آسمانی‌شان بشود. من سعی کردم نماز و روزه‌های قرضی مادرم را ادا کنم تا روحش در آرامش باشد. می‌خواهم خوب و سالم زندگی کنم. او نیست، ولی دوست دارم به من افتخار کند و روحش در آرامش باشد.

■ زهرا ۲۲ساله: باید از پدر و مادر حرف‌شنوی داشته باشیم. آنها خوشبختی ما را می‌خواهند، پس حرف‌شان بالارزش است. اگر هم تشخیص دادیم حرف‌شان به صلاح‌مان نیست، نباید صریح جواب بدهیم که خدای ناکرده دلگیر شوند.

■ همایون ۱۸ساله: بارها پدر و مادرم مرا سرزنش کرده‌اند، ولی من احترام آنها را حفظ کردم و جسارتی نکردم. چون از دل‌شکستن پدر و مادر می‌ترسم.

■ کیوان ۱۸ساله: هرچه بگویند می‌گویم چشم، هر چند گاهی کار خودم را می‌کنم و آنها وقتی می‌فهمند عصبانی می‌شوند.

■ علی ۱۹ساله: چند باری با والدینم بحثم شد و آنها را ناراحت کردم. باور کنید دست خودم نیست و نمی‌توانم عصبانیتم را کنترل کنم. بار آخری که با پدرم بحث کرده بودم تا صبح نخوابیدم. صبح که شد رفتم نان تازه خریدم و با احترام کنارش نشستم و بعد از خوردن صبحانه او را بوسیدم و معذرت خواستم. احترام به والدین شیرینی خاصی دارد که تا سال‌ها به دل می‌نشیند. سعی می‌کنم با خودم تمرین کنم تا زود از کوره درنروم.

■ سجاد ۲۱ساله: من در یک خانواده مذهبی بزرگ شده‌ام و حالا درس طلبگی می‌خوانم. والدینم بسیار در تربیت دینی من و خواهر و برادرانم تلاش کرده‌اند. همیشه آنها را دعا می‌کنم که ما را در مسیر خدا و اهل بیت(ع) قرار داده‌اند. دعای خیر برای سلامتی پدر و مادر کنار دیگر وظایف دیگر، کار باارزشی است که من سعی می‌کنم هیچ وقت از آن غافل نشوم.

سعید ۱۹ ساله: والدین حق بسیار زیادی بر گردن ما دارند. خیلی زحمت کشیده‌اند و از خواب و خوراک خودشان برای راحتی ما در جایی که شاید برای خودشان هم لازم بود، گذشته‌اند. مادرم از شیره جانش مرا سیر و پدرم با کارگری مرا بزرگ کرد. حالا که پیر شده‌اند، وظیفه دارم به آنها خدمت کنم و دست آنها را بگیرم و ببوسم. به قول ایرج میرزا «دستم بگرفت و پابه‌پا برد» و حالا نوبت من است

مریم ۲۱ساله: وظایف در برابر پدر و مادر را اگر به اندازه شن‌های دریا بنویسیم، باز در مقابل زحمات‌شان کم است. اگر سال‌ها خدمت کنیم، باز کاری نکرده‌ایم. من در کنار همه کارهایی که از عهده‌ام برمی‌آید، سعی می‌کنم تکالیف شرعی‌ام را انجام دهم تا آنها راضی باشند، چون پدر و مادرم به نماز و واجبات اهمیت می‌دهند

■ مهدی ۲۰ساله: دو سالی است از داشتن مادر محروم هستم. یاد مادرم را با خواندن قرآن زنده نگه می‌دارم. شاید از من راضی شود و عاقبت بخیر شوم.

■ مریم ۲۱ساله: وظایف در برابر پدر و مادر را اگر به اندازه شن‌های دریا بنویسیم، باز در مقابل زحمات‌شان کم است. اگر سال‌ها خدمت کنیم، باز کاری نکرده‌ایم. من در کنار همه کارهایی که از عهده‌ام برمی‌آید، سعی می‌کنم تکالیف شرعی‌ام را انجام دهم تا آنها راضی باشند، چون پدر و مادرم به نماز و واجبات اهمیت می‌دهند.

■ هدی ۱۸ساله: لاتعبدون الا الله و بالوالدین احسانا؛ جز خدا را نپرستید و در برابر پدر و مادر نیکی کنید. این آیه به ما می‌گوید برخورد نیک و رعایت ادب از جمله وظایفی است که باید کنار دیگر وظایف نسبت به پدر و مادر داشته باشیم. اگر در خانه‌ای اخلاق و ادب اسلامی رعایت شود، لذت و صفا وجود دارد و گناه راهی پیدا نمی‌کند.

■ هلما ۲۰ساله: همه خوشبختی‌ام را مدیون راهنمایی‌های پدر و مادرم می‌دانم. بر خودم وظیفه می‌دانم که همیشه در مقابل پدر و مادرم تبسم کنم تا مبادا آنها نگران شوند؛ نگران از اینکه شاید ناراحتم و نگران از اینکه شاید خدایی‌ناکرده دوست‌شان نداشته باشم.

■ وحیده ۲۰ساله: مادرم چند ماهی است سکته کرده و زمینگیر شده است. سعی می‌کنم وظایفم را برای نگهداری از او درست انجام دهم. قبل از اینکه حرفی بزند، کلامش را می‌خوانم و قبل از تقاضایی آن کار را انجام می‌دهم تا مبادا فکر کند که سربار است و دلش بگیرد.

■ رضا ۲۱ساله: هر فرزندی پدر و مادرش را بهتر می‌شناسد و می‌داند چه توقعی از او می‌رود. من هم می‌دانم که آنها توقع دارند در هر کاری با آنها مشورت کنم و به نظرات‌شان احترام بگذارم. سعی می‌کنم این خواسته را انجام دهم و رعایت حال‌شان را کنم. آنها هم سعی می‌کنند استقلال مرا حفظ کنند.

■ امیر ۱۸ساله: احترام و رعایت ادب تنها توقعی است که والدین دارند. آنها را دوست دارم و به آنها عشق می‌ورزم.